

چند نکته دربارهٔ عروض نجفی



امید طبیبزاده

مقدمه

استاد ابوالحسن نجفی تا آخرین روزهای عمرش به عروض می‌اندیشید و بیش از آنکه در فکر ثبت آراء و نظراتش باشد، می‌کوشید تا کره نکات جدیدی را بگشاید که در این حوزه با آنها مواجه شده بود. در اینجا به‌اختصار به چند نکته در عروض نجفی اشاره می‌کنم که تصور می‌کنم توجه به آنها برای درک هرچه بیشتر آراء جدید او لازم باشد. ابتدا بحث می‌کنم که چرا قاعدهٔ قلب را نباید از زمرهٔ اختیارات شاعری دانست، سپس دو راه تازه‌یافتهٔ نجفی را در گسترش‌بخشیدن به تعداد اوزان فارسی شرح می‌دهم، و در پایان دربارهٔ دو شیوهٔ طبقه‌بندی اوزان، و مخصوصاً دایرهٔ نجفی که این روزها بسیار دربارهٔ آن سخن می‌گویند، بحث خواهم کرد.

۱. قاعدهٔ قلب

رباعی در زبان فارسی دارای دو وزن گوناگون زیر است:

۱. مستفعل مستفعل مستفعل فع(یا به تقطیع سنتی: مفعول مفاعیل مفاعیل فعل=بحر هَزَج مُثَمَّنْ أَحَرَبْ مَكْثُوفْ مَجْبُوبْ).
۲. مستفعل فاعلاتْ مستفعل فع(یا به تقطیع سنتی: مفعول مفاعِلن مفاعیل فعل= بحر هَزَج مُثَمَّنْ أَحَرَبْ مَقْبُوضْ مَكْثُوفْ مَجْبُوبْ)
از هرکدام از این دو وزن براساس اختیار شاعری «تسکین» (اختیار «یک کَمِیت بلند به جای دو کوتاه»)، ۱۰ وزن فرعی دیگر منشعب می‌شود که تا همین دو وزن اصلی کلا می‌شود ۱۲ وزن. اما در مورد وزن رباعی قاعدهٔ دیگری نیز وجود دارد که به شاعر اجازه می‌دهد تا این دو گونهٔ متفاوت را نیز با هم در درون یک رباعی واحد به کار ببرد؛ به این قاعده، قاعدهٔ قلب می‌گوییم. این قاعده را از آن‌رو قلب می‌نامیم که تفاوت دو وزن اصلی فوق تنها در ترتیب یک کمیت کوتاه و بلند در رکن دوم آنهاست که یکی معکوس دیگری است:

... - - - - -

... - - - - -

مثلاً در رباعی زیر مصراع‌های ۱ و ۲ و ۴ به وزن اصلی (۲) و مصراع ۳ به وزن اصلی (۱) است:

- هنگام سپیدهم خروس سحری
- دانی که همی چرا کند نوحه‌گری
- یعنی که نمودند در آیینۀ صبح
- کز عمر شبی گذشت و تو بی خبری

(ابوسعید ابی‌الخیر)

خانلری قاعدهٔ قلب را از زمرهٔ اختیارات شاعری می‌دانست (خانلری ۱۳۱۷: ۱۴۱-۱۴۰)، نجفی نیز در مقالهٔ «اختیارات شاعری» (۱۳۵۲) به پیروی از خانلری این قاعده را ذیل اختیارات شاعری گنجانده، اما به‌تدریج به این نتیجه رسید که قاعدهٔ قلب ربطی به اختیارات ندارد زیرا «مطرّد» نیست، یعنی «شمول ندارد و کاربرد آن... تابع شرایط بسیار محدود است» (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۰۴). استدلال نجفی در ردّ قاعدهٔ قلب در مقام نوعی اختیار، برای برخی چندان قانع‌کننده نبود، اما با استدلال دیگری نیز می‌توان صحت نظر او را ثابت کرد: می‌دانیم که استفاده از اختیارات باعث پدیدآمدن گونه یا گونه‌های مختلف برای یک وزن اصلی و واحد می‌شود، به عبارت دیگر، شاعر با استفاده از اختیارات، دو وزن گوناگون را کنار یکدیگر نمی‌آورد، بلکه یک وزن واحد را به دو یا چند شکل گوناگون به‌کار می‌برد. درحالی‌که در مورد قاعدهٔ قلب در رباعی، چنان‌که دیدیم دو وزن گوناگون از دو خانوادهٔ کاملاً متفاوت در کنار یکدیگر ظاهر می‌شوند: یکی وزن متفق‌الارکان «مستفعل مستفعل مستفعل فع» و دیگری وزن متناوب‌الارکان «مستفعل فاعلاتْ مستفعل فع».

۲. راهمای گسترش تعداد وزن‌ها

نجفی در آخرین سال‌های حیاتش به دو امکان گوناگون برای گسترش‌بخشیدن به تعداد وزن‌های شعر فارسی پی برد. در اینجا به این دو امکان که ظاهراً بیشتر به اشعار معاصر مربوط می‌شود، می‌پردازیم.

۱. ۲. نجفی مجموعهٔ اوزان فارسی را به دو گروه اوزان متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان تقسیم می‌کند و آنچه را در این مجموعه بگنجد موزون و مطبوع، و آنچه را در این مجموعه نگنجد، ناموزون و نامطبوع می‌نامد. وی تنها پی استثناء بر قاعدهٔ فوق برمی‌شمارد و آن اینکه «وزنی که با U-U شروع شده باشد اگر به جای هجای کوتاه آغازی آن هجای بلند قرار دهیم، وزنی به دست خواهد آمد که اولاً موزون و مطبوع است بی‌آنکه با آن هم‌وزن باشد (یعنی نشتنن -- در جای U-U یا از زمرهٔ اختیارات شاعری نیست)، و ثانیاً درون مجموعهٔ اوزان او نمی‌گنجد (نجفی ۱۳۹۴: ۱۷۳) مثلاً:

(الف) زمین به ناخن باران‌ها تن برآبله می‌خارید (نادر دراپور)

مفاعِلن فَعْلاتن فع

(ب) آهوی پرده نگاهم کرد با سرمهٔ سودهٔ جادویی (سیمین بهبهانی)

مستفعلن فَعْلاتن فع

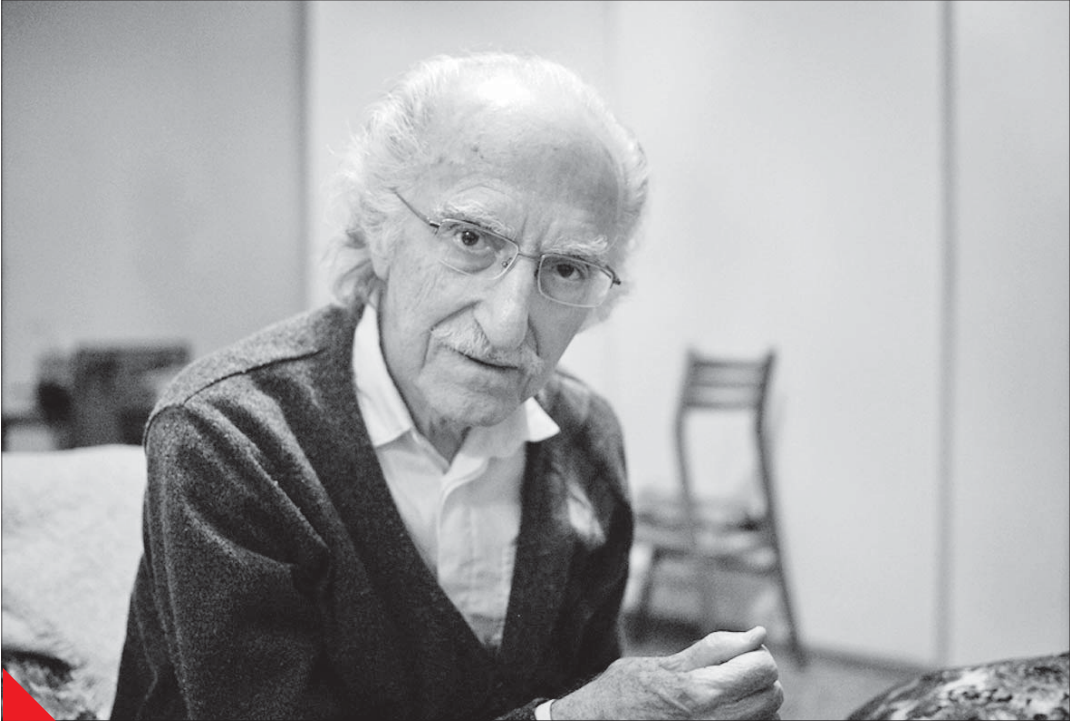
یا:

(الف) زمین فصاحت برگ چنار را به باد خستهٔ پاییز می‌سپرد (یدالله رزبایی)

مفاعِلن فَعْلاتن مفاعِلن

(ب) ای همجو خون به رگم ای طپش مرا بشنو حدیث چنین جوشش

ادبیات



عسّٰغی، عسّٰغی طبیبی

و مصراع‌ها متشکل از ارکان و ارکان نیز متشکل از کلمات است. اگر در فرهنگ‌های لغات و عبارات، مدخل‌های فرهنگ را براساس ترتیب قراردادی حروف الفبایی تبویب می‌کنند، در طبقه‌بندی وزن‌ها نیز می‌توان وزن‌ها را براساس ترتیب قراردادی کمِیت‌ها تبویب کرد. نجفی برای این مهم ترتیب مختصر و سادهٔ زیر را پیشنهاد کرده است:

- ه -
- ه -
- -

در این‌ معنا مثلاً وزن «مفاعِلن فَعْلاتن ۲ بار»، پس از وزن «فَعْلاتْ فاعلاتن ۲ بار» و پیش از وزن «فاعلاتن ۴ بار»، و وزن اخیر نیز پیش از وزن «مستفعلن ۴ بار» قرار می‌گیرد. این شیوهٔ قراردادی به‌سرعت ما را به وزن مورد نظرمان می‌رساند، اما اولاً رابطهٔ سلسله‌مراتبی میان اوزان را نشان نمی‌دهد و ثانیاً محل خالی اوزان ناموجود اما محتمل را پیش‌بینی نمی‌کند و متذکر نمی‌شود.

۲. ۳. طبقه‌بندی اصلی: استفاده از این طبقه‌بندی شاید به سهولتِ استفاده از طبقه‌بندی الفبایی نباشد، زیرا یادگیری مفردات و مبانی آن اندکی زمان می‌برد. اما در صورت یادگیری اصول حاکم بر ساختن طبقه‌بندی اصلی، کم‌وبیش به همان سادگی و سرعتِ گسترش‌بندی الفبایی به وزن مورد نظرمان می‌رسیم، و علاوه بر آن، به‌روشنی از روابط سلسله‌مراتبی میان اوزان هم سردرمی‌آوریم، و جای خالی اوزان ناموجود اما محتمل را نیز مشاهده می‌کنیم. نجفی در این طبقه‌بندی ابتدا انواع پایه‌ایی را که از تکرار آهنا وزن به وجود می‌آید به سه دسته پایه‌ای سه، چهار، پنج هجایی تقسیم می‌کند، و سپس اوزان فارسی را به دو دستهٔ بزرگ اوزان متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان تقسیم می‌کند. در اوزان متفق‌الارکان بلندترین مصراع ممکن، مصراعی مرکب از چهار پایهٔ یکسان است که سرسلسلهٔ یک طبقه یا خانوادهٔ وزنی است. با کاستن هجاهایی از پایان آن مصراع، می‌توان دیگر وزن‌های متفاوت موجود در آن خانوادهٔ وزنی را مشتق ساخت. با این شیوه به بیش از ۲۰۰ وزن متفق‌الارکان می‌رسیم. اما اوزان متناوب‌الارکان به گروه متفاوت دیگری تعلّق دارد که درون دایره‌ای که امروزه به «دایرهٔ نجفی» معروف شده است، می‌گنجد. اگر در این دایره خلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت حرکت کنیم (مفاعِلن فَعْلاتن) به بیش از صد وزن، و اگر در جهت حرکت عقربه‌های ساعت حرکت کنیم (مفاعِلن مفتعلن) به بیش از ۸۰ وزن دیگر می‌رسیم. در اینجا نیز باید سرسلسلهٔ هر خانوادهٔ وزنی را مصراعی چهار هجایی درنظر بگیریم که مرکب از چهار پایه‌ای است که یک در میان مشابه هستند. حال باز با کاستن هجاهایی از پایان آن مصراع، دیگر وزن‌های موجود در آن خانوادهٔ وزنی نیز مشتق می‌شود.

ماخذ

نجفی، ابوالحسن، «اختیارات شاعری»، جُنگ اصفهان؛ ویژهٔ شعر، دفتر دوم، ۱۳۵۲.

«دربارهٔ طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی (بحث روش)»، آشنایی با دانش، فروردین ۱۳۵۹.

«مصاحبه با ابوالحسن نجفی»، جشن نامهٔ ابوالحسن نجفی، به همت امید طبیب‌زاده، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۹۰.

وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز (مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی شعر فارسی و زبان‌شناسی)، انتشارات هرمس، ۱۳۹۴.

دربارهٔ طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، تهران، نیلوفر، ۱۳۹۴

اختیارات شاعری و مقاله‌های دیگر در عروض فارسی؛ تهران، نیلوفر، ۱۳۹۴.

۱. ۳. طبقه‌بندی الفبایی: همان‌طور که زبان از جمله‌ها، و جمله‌ها از

کلمات و کلمات از حروف ساخته شده است، وزن نیز مشتمل بر مصراع‌ها

مِگره و وضعیتی دشوار

«مگره در اتاق اجاره‌ای» عنوان رمان دیگری است از ژرژ سیمون، پلیسی‌نویس مشهور فرانسوی، که این‌روزها با ترجمه عباس آگاهی در مجموعه نقاب نشر جهان کتاب منتشر شده است. در این رمان، مگره چند روزی را می‌بایست تنها بگذراند؛ چراکه همسرش برای مراقبت از خواهرش پیش او رفته است و مگره تنها مانده است. مگره عادت به زندگی مجردی ندارد و از سویی هم نمی‌خواهد شب را به تنهایی در آپارتمانش به سر ببرد. همکار مگره او را به خانه‌اش دعوت می‌کند اما مگره از بیم این‌که به عنوان مهمان سرزده مزاحم آنها باشد دعوت دوستش را رد می‌کند. از قضا در دو روزی که مگره تنها مانده، کار چندانی هم در اداره نداشته و در هر دو روز ساعت هفت محل کارش را ترک کرده است. این وضعیت مگره را آشفته کرده چون او نمی‌داند به تنهایی باید شام را کجا بخورد و از طرفی هم نمی‌خواهد دیگران فکر کنند او از فرصت تنها بودن استفاده می‌کند؛

«میل داشت چه چیزی بخورد؟ چون تنها بود و چون می‌توانست هر جا که دلش می‌خواهد برود، با دقت به فکر فرو رفته بود و رستوران‌هایی را که ممکن بود باب طبعش باشند، از نظر می‌گذراند. مانند زمانی که می‌خواهی واقعا شب خوبی داشته باشی. ابتدا چند قدمی به طرف میدان کنکورد برداشت و چون در این مسیر، بیهوده از خانه خودش دور می‌شد، ناراحتی وجدان گریانش را گرفت. جلوی ویترین یک فروشنده فراورده‌های خوراکی، چشمش به حلزون‌هایی طریخ شده افتاد که سرس کَره و جعفری‌شان بیرون زده و براق‌شان کرده بود....» مگره در طول شب به هر جا که می‌رود احساس معذب بودن می‌کند چون فکر می‌کند مجرد است این وضعیت برای او چندان خوشایند نیست. در نهایت او قدم‌زنانی به سینما می‌رود و آخر شب، وقتی تازه به خانه می‌رسد تلفن خانه‌اش زنگ می‌خورد و خبری ناگوار دریافت می‌کند. افسری که تحت فرمان مگره بوده، به ضرب گلوله‌ای می‌شدت زخمی شده و این ماجرا مگره را درگیر ماجرای دیگر می‌کند. سو‌قصد به همکار مگره، او را به محل وقوع واقعه می‌کشاند. حادثه در کوچه لومونو رخ داده، محله‌ای که با آپارتمان‌ها و اتاق‌های اجاره‌ای‌اش، منظره‌ای شهرستانی دارد. همکار مگره، در تعقیب سارقی جوان به این محله آمده بود که به او تیراندازی می‌شود. مگره ناچار می‌شود در خانه‌ای در این محله بماند تا سارق و کسی که به همکاری‌ش تیراندازی کرده را شناسایی کند. او در ساختمان‌

یافته

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

شده

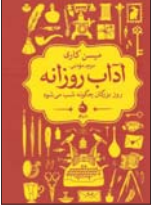
شده

شده

مرور

از روزمرگی‌ها

این روزها ترجمه مجددی از کتاب «آداب روزانه» میسن کاری، با عنوان فرعی روز بزرگان چگونه شب می‌شود، با ترجمه مریم مومنی در نشر ماهی به چاپ رسیده است. پیش‌تر، این کتاب با نام «عادات و آداب بزرگان» با ترجمه حسن کامشاد در نشر فرهنگ جاوید منتشر شده بود. این کتاب، آن‌طور که از عنوان فرعی‌اش هم برمی‌آید، به عادت‌های همیشگی و زندگی روزمره نویسندگان، هنرمندان، فیلسوفان و... می‌پردازد و به شکلی خلاصه تصویری از زندگی آنها به دست می‌دهد. در این کتاب، به شرح احوال و عادات کاری یکصدوشصت چهره مشهور جهان پرداخته شده که هر یک در حوزه کاری خودش کاری بزرگ ارایه داده است. میسون کاری، در این کتاب به‌واسطه زندگی‌نامه‌ها و خاطرات و نامه‌ها و مصاحبه‌ها و منابعی دیگر، کوشیده تا شرحی کوتاه از خلق‌وخوی چهره‌های حاضر در کتاب به دست دهد. در میان آدم‌هایی که کتاب به آنها پرداخته، هنرمندان، فیلسوفان، موسیقی‌دانان، نقاشان، مجسمه‌سازان، کارگردانان و دانشمندان دیده می‌شوند. کتاب هم به سراغ چهره‌های مشهور دوران گذشته رفته و هم به معاصران پرداخته است. نویسنده کتاب در بخشی از مقدمه‌اش درباره این کتاب نوشته: «یک‌سال‌ونیم، تقریباً هر روز هفته صبح‌ها ساعت پنج‌ونیم بیدار می‌شدم، مسواک می‌زدم، فنجان‌ی قهوه درست می‌کردم و می‌نشستم به نوشتن این‌که چطور برخی از بزرگ‌ترین مغزهای متفکر چهار قرن اخیر دقیقاً همین کارها را انجام می‌دادند؛ یعنی از روزشان چطور استفاده می‌کردند تا بهترین بازنده ممکن را داشته باشند و چه برنامه‌هایی می‌ریختند تا کارشان خلاق و برپار باشد. امیدوار بودم با نوشتن از جزئیات زندگی مادی و روزمره این بزرگان – این‌که کسی می‌خوایدند و کی می‌خوردند، کسی کار می‌کردند و کی دچار اضطراب می‌شدند- بتوانم دریچه تازه‌ای به شخصیت و کارنامه ایشان باز کنم و تصویری کوچک و جذاب از هنرمند بندهی عادت ارائه دهم. ژان اتلم بریا- سساواران، خوراک‌شناس فرانسوی، می‌گوید: به من بگو چه می‌خوری، تا بگویم که هستی. من هم می‌گویم بگو چه ساعتی غذا می‌خوری و بعد هم چرت می‌زنی یا نه، تا بگویم که هستی. بدین‌معنا کتاب حاضر کتابی سطحی است. درباره شرایط کار خلاق است، نه ماحصل آن. بیش‌تر درباره فرایند تولید است تا معنای آن. اما ناگزیر کتابی شخصی هم هست. (جان چپور گمان می‌برد که حتی نوشتن یک نامه اداری نیز بخشی از خویشش آدمی را آشکار می‌کند. آیا این‌طور نیست؟) دغدغه‌های اصلی من در این کتاب مسائلی است که در زندگی شخصی نیز با آن‌ها درگیرم». نویسنده کتاب، این دغدغه‌های شخصی را در قالب چند پرسش مطرح کرده: این‌که چطور می‌توان اثری نغز و خلاقانه آفرید و درعین‌حال از پس مخارج زندگی نیز برآمد؟ و این‌که آیا بهتر است که آدم خود را یکسره وقف خلق اثری کند یا بخش کوچکی از روزش را به آن اختصاص دهد؟ به‌عبارتی، این کتاب می‌کوشد پاسخ دهد که چه رابطه‌ای میان کار حرفه‌ای با زندگی روزمره وجود دارد و این دو چه تأثیری بر هم می‌گذارند.



آداب روزانه

میسن کاری

ترجمه مریم مومنی

نشر ماهی

فرهنگ تخصصی طنز

«فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز»، کتابی است از دکتر محمدرضا اصلائی (همدان) که امسال با ویرایشی جدید از طرف نشر مروریاد منتشر شده است. این کتاب، فرهنگ‌نامه‌ای است شامل تمام اصطلاحات و مفاهیم و واژگانی که به‌سه طنز مربوط‌اند، همراه با معادل انگلیسی و شرح و توضیح آن‌ها و نمونه‌هایی از کاربردشان در متون مختلفی که با طنز آمیزاند و با طنز یکی از مولفه‌های آنهاست. نویسنده در انتخاب نمونه‌ها از متون ایرانی معاصر، چه شعر و چه نثر، فراوان استفاده کرده است و همچنین از متون ادبی غیرایرانی، دکتر محمدرضا اصلائی در بخشی از مقدمه ویرایش دوم این کتاب، درباره آن می‌نویسد: «این کتاب اولین فرهنگ تخصصی طنز در ایران است و تلاش فرهنگ‌نگار در شیوهی تألیف آن بوده تا ضمن درج مطالب تخصصی، برای افراد غیرمتخصص هم این امکان وجود داشته باشد تا این کتاب را بخوانند و لذت ببرند.به این دلیل نوع و مقدار اطلاعاتی که در هر مدخل آمده و به دلیل ارائه‌ی شاهدمثال‌های متعدد از ادبیات ایران و جهان، توضیحات تکمیلی، موضوعی و تاریخی و نقل‌قول‌های مرتبط، کتاب فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز از فرهنگ‌های معمول فراتر می‌رود و مطالبی را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد که بیشتر جنبه‌ی دایره‌المعارفی دارد.»مؤلف در پایان همین مقدمه از زنده‌یاد عسمران صلاحی به‌عنوان کسی یاد می‌کند که از مشوقان اولیه او در تألیف این کتاب بوده است.در بخشی از مقدمه ویرایش اول این کتاب درباره طنز در ایران می‌خوانیم: «در انواع طنز، ادبیات فارسی از تاریخ خود پیشینه‌ای غنی دارد، به‌طوری‌که در هر دوره طنزنویسان برجسته‌ای را می‌یابیم که هر یک به فراخور حال طرز خود را در این حیطه آزموده‌اند. نگارنده‌ی این کتاب بر این باور است که با وجود گنجینه‌های ارزشمندی که در طنز عملی برای ما به میراث مانده، در تئوری طنز آن طوری که باید کارهای فراوانی انجام نگرفته است. تألیف فرهنگی تخصصی درباره‌ی واژگان و اصطلاحات طنز، تلاشی در این راستا است». همچنین در این مقدمه درباره نحوه انتخاب نمونه‌ها و مثال‌ها برای هر مدخل و رویکرد مؤلف در انتخاب و آوردن نمونه‌ها آمده است: «برای انتخاب نمونه‌های هر مدخل تلاش شده تا در حد امکان از آثار مشهور طنزنویسان مطرح استفاده شود. رعایت اصل بوده‌بندی، حکم می‌کرد تا علی‌رغم علاقه‌ی شخصی به بعضی از طنزنویسان، در حدی مشخص از نمونه‌ی آثار آن‌ها استفاده، و تا حد ممکن به خواننده فرصت داده شود تا با طیف گسترده‌تری از نمونه‌ی آثار طنزنویسان آشنا شوند. در ضمن نمونه‌ها و خلاصه‌ی نمایش‌نامه‌ها کمک می‌کند تا افراد علاقه‌مند به طنز حتا اگر گرايشی به مفاهیم نظری طنز نداشته باشند از مطالعه‌ی این کتاب لذت ببرند.» از دکتر محمدرضا اصلائی، به‌جز این کتاب، تاکنون پنج کتاب در زمینه شناخت و نقد آثار نویسندگان و تئوری طنز و بیش از سی مقاله ادبی و علمی پژوهشی در نشریات گوناگون منتشر شده است.



فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز

دکتر محمدرضا اصلائی (همدان)

نشر مروارید

ویرایش جدید